

زبان فارسی و گویش‌های ایرانی

سال اول، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱

مطالعه خروج بند موصولی در متون روایی زبان فارسی با رویکردی نقش‌گرا: شواهدی از جلد‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

حامد مولایی کوهبنانی^۱

دکتر علی علیزاده^۲ ✉

دکتر شهلا شریفی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۲۴

چکیده

فرایند خروج بند موصولی هنگامی رخ می‌دهد که بند موصولی از مجاورت هسته خارج شود و به جایگاهی در انتهای جمله حرکت کند. به بررسی فرایندهایی همچون خروج بند موصولی، پس از ظهور دستور نقش‌گرایی بیش از پیش توجه شده‌است. با توجه به آنکه جملات فارسی در صورت وقوع و یا عدم وقوع این فرایند، همچنان دستوری باقی خواهند ماند، بسیاری از زبان‌شناسان دلایل غیرنحوی را عامل این حرکت می‌دانند. نگارندگان با این فرض که وقوع این فرایند، دلایل نقشی همچون طول بند موصولی، ساخت اطلاعی، یکسان بودن فعل بند اصلی و موصولی و نوع فعل دارد، به بررسی فرایند خروج در ۶۶ بند از ۱۵۰ بند استخراج‌شده در بخش‌هایی از تاریخ بیهقی پرداخته‌اند تا بستری برای مقایسه نتایج این فرایند در متون روایی و ادبی با متون فارسی رسمی معاصر فراهم گردد. براساس داده‌های پژوهش از چهار فرضیه عنوان‌شده جز ساخت اطلاعی، سه عامل دیگر تأثیر مستقیمی بر خروج بند موصولی دارند. طول بند موصولی مهم‌ترین عامل خروج آن در تاریخ بیهقی است که تأییدکننده ادعای هاوکینز مبنی بر تمایل سازه‌های سنگین‌تر در زبان‌های فعل‌پایانی به حرکت به انتهای جمله و قرارگرفتن پس از فعل است. همچنین، مقایسه نتایج این پژوهش با نتایج راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که تفاوت چشمگیری میان نحوه عملکرد این فرایند در فارسی رسمی معاصر و تاریخ بیهقی دیده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: خروج بند موصولی، تاریخ بیهقی، طول بند موصولی، ساخت اطلاعی

✉ Alalizadeh@um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۱- مقدمه

بند موصولی از ساخت‌های نحوی پربسامد در اکثر زبان‌های دنیاست که زبان‌شناسان به دلیل ساخت نحوی نسبتاً پیچیده و بسامد بالای آن بدان توجه می‌کنند. بند موصولی بندی است که یک اسم یا عبارت را توصیف می‌کند و ضمیری که بند موصولی را معرفی می‌کند، ضمیر موصولی می‌نامند (ریچاردز و اسمیت، ۲۰۰۲: ۱۸۴). در واقع بند موصولی نقش صفتی را دارد که برای توصیف یک اسم به کار رفته‌است با این تفاوت که صفات معمولاً یک کلمه ساده یا مرکب هستند اما بند موصولی مانند شبه‌جمله عمل می‌کند (اندرسون، ۲۰۰۹). کروگر هر ساخت موصولی را متشکل از سه بخش هسته^۱، بند توصیفگر^۲ و نشانه موصول^۳ می‌داند (نقل از راسخ‌مهند و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲):

پسری (هسته) [که (نشانه موصول) در خیابان دیدی] (بند توصیف‌گر) برادر من است.

علی (هسته) [که (نشانه موصول) به مشهد رفته بود] (بند توصیف‌گر) برگشت.

نوع عملکرد بندهای موصولی در زبان باعث شده تا زبان‌شناسان بندهای موصولی را براساس دو دیدگاه عمده نحوی و معنایی تقسیم‌بندی کنند. یکی از پدیده‌های جالب در بند موصولی زمانی است که به دلایلی بند موصولی از مجاورت هسته خارج می‌شود و به انتهای جمله حرکت می‌کند که «خروج بند موصولی» نام دارد (بالتین، ۲۰۰۶: ۲۳۹). مثال (ب) در جملات زیر نمونه‌ای از خروج بند موصولی در فارسی است:

الف) چند تا از دوستانم را [که در بازار مغازه دارند] ملاقات کردم.

ب) چند تا از دوستانم را ملاقات کردم [که در بازار مغازه دارند].

دلایل نحوی نقشی و آوایی مختلفی برای این پدیده معرفی شده‌است. این پدیده را در فارسی نو و در بسیاری از متون تاریخی می‌توان دید. هدف این پژوهش بررسی میزان و علت وقوع خروج بند موصولی در بخش‌هایی از اثر ماندگار تاریخ بیهقی بر پایه معیارهای نقشی است تا بستری برای مقایسه نتایج این فرایند در متون روایی و ادبی با متون فارسی رسمی معاصر فراهم گردد. متون روایی، متونی توصیفی و آهنگین هستند که حالتی ادبی دارند و نسبت به متون توصیفی طولانی‌ترند. در متن روایی نویسنده احساسات درونی خود را بیان می‌کند و به دلخواه آنچه را درست، زیبا و شیوا تشخیص می‌دهد بر کاغذ می‌آورد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹: ۲۳۸). انتخاب داده‌ها در این پژوهش به روش خوشه‌ای- تصادفی است و با مطالعه مجلدهای پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی ۱۵۰ بند موصولی استخراج و با توجه به متن بررسی و تحلیل شده‌است.

1. Head
2. Modifier clause
3. Relative Marker

۲- پیشینه نظری پژوهش

اکثر زبان‌شناسان منشأ بندهای وابسته را جملات پیوسته می‌دانند و می‌گویند که وابستگی از پیوستگی می‌آید (شفایی، ۱۳۶۲: ۵۸). زبان فارسی انواع مختلفی از بندهای پیرو وابسته در جملات مرکب از جمله بند پیرو موصولی دارد. ساخت موصولی را می‌توان متشکل از یک گروه حرف تعریف مرکب تشکیل‌شده از یک هسته موصولی و بند موصولی دانست (محمودی، ۱۳۹۴: ۲۴۳). افراشی (۱۳۸۸: ۱۵۱) بند موصولی را فراکردی می‌داند که درباره یکی از عناصر جمله پایه اطلاعاتی می‌دهد. عنصری از جمله پایه که بند موصولی آن را توصیف می‌کند، هسته بند موصولی می‌نامند. بند موصولی از وابسته‌های اسم است که نقش توصیفگر دارد و درون گروه اسمی قرار می‌گیرد (گیون، ۲۰۰۱: ۱۷۶). عملکردهای متفاوت بند موصولی باعث شده تا زبان‌شناسان به شیوه‌های مختلف، از جمله براساس دو دیدگاه عمده نحوی و معنایی آن را تقسیم‌بندی کرده‌اند (نک. نعمت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

از دیدگاه نحوی و طبق ادعای آناس (۲۰۰۴: ۴) هسته ساخت موصولی مبنای تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد. براین اساس بندهای موصولی هسته‌دار با توجه به نقش نحوی هسته بر چهار نوع‌اند که در پی معرفی می‌شود و برای هر کدام یک مثال فارسی می‌آید.

الف) بند موصولی فاعلی - فاعلی^۱:

مردی (فاعل) [که] (فاعل) لباس زرد پوشیده‌است [داور است].

ب) بند موصولی فاعلی - مفعولی^۲:

مردی (فاعل) [که آنها او (مفعول) را تشویق می‌کنند] داور است.

ج) بند موصولی مفعولی - مفعولی^۳:

من مردی (مفعول) را [که شما (مفعول) تشویق کردید] می‌شناسم.

د) بند موصولی مفعولی - فاعلی^۴:

من مردی (مفعول) را [که] (فاعل) لباس زرد پوشیده‌است [می‌شناسم].

همان‌گونه که مشخص است هسته ساخت موصولی هم در بند پایه و هم در بند پیرو نقش دارد. صفوی (۱۳۷۳: ۱۸۶) نیز اشاره می‌کند که نقش هسته در بند پیرو می‌تواند مشابه نقش در بند پایه و یا متفاوت با آن باشد. در زبان فارسی نهاد، مفعول، متمم حرف اضافه، مضاف‌الیه و قید می‌توانند هسته بند موصولی واقع شوند (راسخ‌مهند و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۷). بررسی بندهای موصولی طبق این تقسیم‌بندی از لحاظ معیارهای روان‌شناختی نیز نتایج جالبی در پی

1. subject-subject
2. subject-object
3. object-object
4. subject-object

داشته‌است. نعمت‌زاده و دیگران (۱۳۹۱) در بررسی سطوح پیچیدگی بندهای موصولی در کودکان ۳ تا ۶ ساله فارسی‌زبان به این نتیجه رسیده‌اند که درک بندهای موصولی پرسشی و خبری فاعلی - مفعولی به صورت کاملاً شفافی پیچیده‌تر از بندهای موصولی فاعلی - فاعلی‌اند. نتایج این پژوهش شباهت معناداری با یافته‌های پژوهش آناس (۲۰۰۴) در باره ساخت بندهای موصولی زبان انگلیسی دارد.

علاوه بر نقش نحوی هسته، بندهای موصولی را با توجه به معرفگی و خاص بودن هسته آنها نیز به انواعی تقسیم می‌کنند (ویندفور، ۱۹۷۸: ۱۸۸). در این تقسیم‌بندی که برمبنای معیارهای معنایی است بندهای موصولی یا تحدیدی^۱ اند و یا غیرتحدیدی^۲. کامری (۱۹۹۶: ۲۴۴) زبان فارسی را جزء زبان‌هایی می‌داند که بین بندهای موصولی تحدیدی و غیرتحدیدی تمایز آشکار می‌گذارد. به نظر ایزومی (۲۰۰۳: ۲۹۴) بسامد کاربرد بندهای موصولی تحدیدی در زبان‌های دنیا بالاتر است. به دو مثال زیر دقت کنید:

الف) دانشجویی [که از کرمان آمده بود] مقاله‌اش را ارائه کرد.
ب) علی [که از کرمان آمده بود] مقاله‌اش را ارائه کرد.

در جمله الف، بند موصولی [که از کرمان آمده بود] بندی تحدیدی است. هسته این نوع بندها می‌تواند معرفه یا نکره باشد (جهانی، ۲۰۰۸: ۱۴۳). بند تحدیدی گستره کاربرد معنایی هسته خود را تعیین و یا محدود می‌سازد. از نشانه‌های صرفی بندهای موصولی تحدیدی وجود پسوند «-ی» بعد از هسته است (ماهوتیان، ۱۳۸۷: ۴۳؛ جهانی، ۲۰۰۸: ۱۴۳؛ و مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۱۳۱). ماهوتیان (۱۳۸۷: ۴۳) پسوند «-ی» به کار رفته در ساخت بندهای موصولی تحدیدی فارسی را با «-ی» نکره متفاوت می‌داند. لازار (نقل از صفوی، ۱۳۷۳: ۱۸۸) نیز اشاره می‌کند که «-ی» بند موصولی را نباید با پسوند «-ی» در سایر سازه‌ها مشابه دانست چراکه نمی‌توان آنها را به‌جای یکدیگر به کار برد. بنابراین، در جمله ب بند موصولی [که از کرمان آمده بود] بندی غیرتحدیدی است چراکه بندهای غیرتحدیدی شیوه‌ای برای ارائه اطلاعات جدیدند برپایه این فرض که مرجع برای خواننده مشخص و آشناست. در واقع بند موصولی غیرتحدیدی توضیحی اضافی در مورد هسته خود ارائه می‌دهد. ویندفور (۱۹۷۸: ۱۹۱) دو معیار کلی برای تشخیص بند تحدیدی از غیرتحدیدی در زبان فارسی بیان می‌کند:

الف) در بند موصولی تحدیدی، پسوند «-ی» به هسته‌ای که بند آن را توصیف می‌کند متصل می‌شود؛

1. restrictive
2. non-restrictive

ب) در بند موصولی غیرتجدیدی، بعد از هسته‌ای که بند آن را توصیف می‌کند، مکث اجباری وجود دارد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بندهای موصولی در فارسی دو نشانه صرفی دارند: پسوند «-ی» مخصوص بندهای تجدیدی، و حرف «که» در ابتدای تمام بندهای موصولی. استفاده از «که» در ابتدای بند تنها محدود به بندهای موصولی نیست بلکه بسیاری از بندهای پیرو فارسی در ساخت جملات مرکب با این حرف شروع می‌شوند. استاجی (۱۳۸۹: ۲) می‌گوید حرف «که» در فارسی نو نقش ضمیر پرسشی، نشانه بند موصولی، نشانه بند متممی و حرف ربط و نیز ضمیر مبهم و قید تکرار دارد. بررسی‌های تاریخی زبان فارسی نشان می‌دهد در ایرانی میانه و باستان چنین حالتی وجود نداشته‌است و این نقش‌ها نقش‌نماهای متفاوتی داشتند (همان: ۳؛ سهیلی اصفهانی، ۱۹۷۶: ۱۸۸). استاجی (۱۳۸۹: ۹) با بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که حرف «که» فارسی نو از «که» پرسشی دوران میانه مشتق شده‌است. تنوعات نقشی که حرف «که» در فارسی نو پیدا کرده باعث شده تا تعدادی از زبان‌شناسان برای تعیین تفاوت میان این کاربردها معیارهایی معرفی کنند. صفوی (۱۳۷۳: ۱۹۱) عقیده دارد «که» موصولی‌ساز را نمی‌توان از جمله حذف کرد اما «که» متممی حذف می‌شود. بنابراین «که» در زبان فارسی کارکردهای متفاوتی دارد و به همین دلیل درباره نقش آن در بندهای موصولی اختلاف نظر وجود دارد. آهنگر (۲۰۰۰: ۱۸۴)، تقوایی‌پور (۲۰۰۵: ۷۴) و کریمی (۲۰۰۲: ۶۴) حرف «که» بند موصولی را متمم‌نما^۱ می‌شمارند و می‌گویند در زبان فارسی ضمیر موصولی وجود ندارد اما ماهوتیان (۱۳۸۷: ۴۴) آن را ضمیر موصولی می‌داند.

مطالعه بندهای موصولی فارسی از این‌رو جالب است که در رده‌شناسی، این زبان هم ویژگی زبان‌های اروپایی را دارد و هم ویژگی زبان‌های شرق آسیا. کریمی (۲۰۰۵: ۸) زبان فارسی را از حیث هسته‌پایانی بودن و وجود ضمیر تهی شبیه زبان‌های شرق آسیا می‌داند که ترتیب واژگانی آنها فاعل - مفعول - فعل^۲ است اما برخلاف زبان‌هایی نظیر کره‌ای، ژاپنی و چینی بندهای موصولی فارسی حالت هسته‌آغازی دارند و شبیه زبان‌های اروپایی عمل می‌کند. تقوایی‌پور (۲۰۰۵: ۱۲) نیز می‌گوید زبان فارسی علی‌رغم فعل‌پایانی بودن تعدادی سازه هسته‌آغازی دارد که مطابق ویژگی فعل‌پایانی این زبان نیست، از جمله مفاهیم مالکیت، صفت و موصوف و بندهای موصولی. انتخاب ترتیب واژگانی جملات فارسی وابسته به مفعول جمله است. فارسی این انعطاف را دارد که هرگاه مفعول در سطح غیرگروه (بند) باشد آن را به

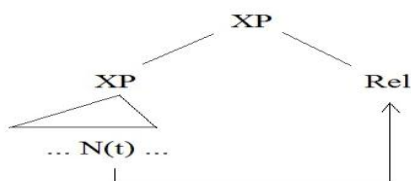
1. complementizer

2. sov

انتهای جمله منتقل کند. از طرف دیگر، فارسی در بحث هسته‌وابسته نیز الگوی ثابتی ندارد. طبق ویژگی هسته‌پایانی بودن وابسته‌ها یعنی بند موصولی می‌بایست قبل از فعل قرار گیرد، اما در موارد زیادی بند موصولی به پس از فعل منتقل می‌شود و آن را «خروج بند موصولی» می‌نامند. زبان‌شناسان صورت‌گرا در ابتدا این پدیده را گشتار خروج بند موصولی در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی معرفی کردند و آن را حاصل حرکت دانستند (غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۴: ۸۹). البته در بسیاری از زبان‌های دنیا علاوه بر بندهای موصولی مواردی از خروج گروه حرف اضافه‌ای، متممی و ... نیز هست. مطالعات در علت این فرایند به سه طبقه نحوی، آوایی و نقشی تقسیم می‌شود.

بیشترین حجم مطالعات نحوی است. در این حوزه دو رویکرد کلی وجود دارد: تجزیه و تحلیل پایه زایشی^۱ و تجزیه و تحلیل حرکت^۲. رویکرد اول می‌گوید بند موصولی در برخی سازه‌ها از ابتدا در همان جایگاه افزوده^۳ تولید می‌شود و هیچ‌گونه حرکتی نیز در کار نیست. کولیکاور و روچمونت (۱۹۹۰: ۳۳) با بیان این فرضیه می‌گویند که خروج بند موصولی شبیه سایر حرکت‌های نحوی - همچون حرکت پرسشواره^۴ - نیست، خروج بند موصولی را نباید حاصل حرکت سازه دانست، چراکه هر بندی برای بازبینی مشخصه و یا به دلایل کاربردی و معنایی حرکت می‌کند اما در بند موصولی دقیقاً مشخص نیست حرکت به چه دلیل است. محمودی (۱۳۹۴: ۲۵۲) نیز می‌گوید بند از همان ابتدا در جایگاه افزوده و پس از فعل قرار دارد و به گروه حرف‌تعریفی که نهانی به پس از فعل ارتقا یافته‌است متصل می‌شود اما گروه حرف‌تعریف ارتقا یافته تلفظ نمی‌شود، یعنی بند موصولی در سمت چپ فعل ادغام با تأخیر می‌یابد.

در مقابل، زبان‌شناسانی همچون مولر (۱۹۹۵: ۲۴۰) و بالتین (۲۰۰۶: ۲۶۵) فرایند خروج را حاصل حرکت سازه می‌دانند. براین اساس بند موصولی ابتدا به عنوان متمم^۵ در گروه اسمی ایجاد می‌شود و سپس طبق قواعد حرکت به جایگاه اولین و نزدیک‌ترین فراقکن بیشینه سمت راست خود که بر آن تسلط سازه‌ای دارد حرکت می‌کند.



1. base-generated analysis
2. movement analysis
3. adjunct
4. wh-movement
5. complement

براساس این دیدگاه جهت حرکت بند موصولی را هسته‌پایانی و هسته‌آغازی بودن هر زبان تعیین می‌کند. پس این حرکت در زبان فارسی همان‌گونه که کریمی (۲۰۰۲: ۸۷) اشاره کرده به سمت چپ است. علاوه بر این دو دیدگاه براساس نظر فوکویی (۱۹۹۳: ۴۱۲) زبان‌های دنیا دارای توالی واژگانی ثابتی هستند که با عنوان «روابط تقدمی استاندارد»^۱ شناخته می‌شود. بر این اساس انگلیسی زبانی مفعول‌پایانی^۲ و فارسی و یا ژاپنی زبان‌هایی فعل‌پایانی^۳ محسوب می‌شوند. فوکویی (همان: ۴۱۲) می‌گوید هر نوع حرکت نحوی که باعث از بین رفتن توالی معمول واژگانی شود حرکتی هزینه‌بر^۴ و در غیر این صورت، حرکت بدون هزینه^۵ است. وی نتیجه می‌گیرد که در زبان‌های هسته‌آغازی مانند انگلیسی حرکت به سمت راست، بدون هزینه و حرکت به سمت چپ، هزینه‌بر و در زبان‌های هسته‌پایانی وضعیت برعکس است. عملیات هزینه‌بر در پاسخ به یک نیروی محرک همچون ویژگی حالت یا پرسشواژه رخ می‌دهد، مثل حرکت نحوی به سمت چپ در زبان انگلیسی که اجباری است. در زبان فارسی نیز بر این اساس خروج بند موصولی نوعی حرکت به سمت چپ است که بدون هزینه و اختیاری است. تقسیم‌بندی فوکویی تا حدی تعارض میان دو دیدگاه قبلی را حل می‌کند. محمودی (۱۳۹۴) در پژوهش «بررسی بندهای موصولی در زبان فارسی: فرایند حرکت بند» به مطالعه ساختاری و صوری بند موصولی پرداخته‌است. فرضیه اصلی وی بررسی امکان حرکت بند موصولی از جایگاه اشتقاق در بند پایه به انتهای جمله و چگونگی اتصال آن به گره‌های بالاتر است. وی که تحلیلی نحوی از حرکت بند موصولی دارد به معرفی سه دیدگاه موجود در زمینه حرکت بند می‌پردازد که عبارت‌اند از حرکت بند به سمت راست، دیدگاه ادغام با تأخیر و دیدگاه حرکت عناصری چون فعل به سمت چپ و سرگردانی بند در جایگاه پس از فعل. براساس تحلیل داده‌های وی با توجه به امکان وجود بندهای موصولی متوالی در جایگاه پس از فعل، حرکت اجباری بند از جایگاه متمم به جایگاه پایانی امکان‌پذیر است، و در نتیجه حرکت بند موصولی با هسته‌های همپایه در فارسی فقط به جایگاه پس از فعل صورت می‌پذیرد. وی می‌گوید بند موصولی حرکت‌یافته به گروه زمان یا گروه کانون افزوده می‌شود تا بر رد خود تسلط سازه‌ای داشته باشد.

علاوه بر استدلال‌های نحوی، ادوارد گویل (۲۰۱۳) پدیده خروج بند موصولی را براساس استدلال‌های واجی بررسی کرده‌است. براین اساس، بندهای موصولی سبک از لحاظ آوایی در

-
1. canonical precedence relation
 2. svo
 3. sov
 4. costly
 5. costless

حاشیهٔ راست جملات قرار می‌گیرند. وی می‌گوید چون بندهای موصولی دارای سازه‌های نوایی^۱ متفاوتی هستند باید انتظار داشت که محدودیت‌های آوایی عامل خروج بند موصولی باشد. به عبارت دیگر، گوبل (همان: ۱۰۰) می‌گوید پیچیدگی‌های نحوی، وزن بند موصولی، کانون توجه^۲ و ... همگی در قالب ساخت‌های عروضی زبان بیان می‌شوند و در نتیجه فرایند خروج بند موصولی که اختیاری است در سطح صورت آوایی^۳ رخ می‌دهد و تنها باعث تغییرات ساختاری می‌شود و تأثیر معنایی ندارد. البته اینابا (۲۰۰۳: ۴۷) با بررسی شواهدی می‌گوید واجی/ آوایی بودن فرایند خروج بند موصولی در زبان‌ها متفاوت است. وی نشان می‌دهد که خروج بند موصولی در انگلیسی نحوی است و در سطح صورت منطقی^۴ رخ می‌دهد و در آلمانی واجی به حساب می‌آید و جهت حرکت و اختیاری بودن آن با انگلیسی تفاوت دارد.

۳- چارچوب نظری پژوهش

سومین جنبهٔ بررسی فرایند خروج بند موصولی بر معیارهای کاربردی و نقشی زبان استوار و چارچوب اصلی این پژوهش است. بحث اصلی نقش‌گراها اختیاری بودن این پدیده است. اگرچه خروج بند موصولی ترتیب بی‌نشان واژگانی زبان را بر هم می‌زند اما همچنان اجازهٔ ظهور دارد و حتی در برخی موارد صورت خروج‌یافته بر صورت خارج‌نشده ارجحیت دارد. آنها عقیده دارند که چنین آزادی عملی را نمی‌توان در قالب رویکردهای صورت‌گرا که قائل به وجود قواعد ثابت زبانی هستند توجیه کرد و در عوض باید به دنبال معیارهای نقشی برای این پدیده بود تا با توجه به گفتمان و بافت زبانی اختیاری بودن آن را توجیه کرد. چامسکی (۱۹۸۶: ۶۸) و روچمونت (۱۹۸۵: ۱۲۳) می‌گویند خروج بند موصولی پدیده‌ای سبکی^۵ است چراکه بندهای موصولی پیش و پس از اعمال فرایند خروج، دستوری‌اند. بر این اساس اعمال فرایند خروج بند موصولی تأثیری بر شرط صدق و یا تعبیر معنایی آن در بخش صورت منطقی^۶ نخواهد داشت. راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۱: ۳۷) نیز طول بند موصولی و نسبت آن با طول گروه فعلی بند اصلی را مهم‌ترین عمل نقشی خروج بند موصولی فارسی می‌داند. آنها می‌گویند هرچه این نسبت بیشتر باشد احتمال خروج بیشتر است. آنها نوع فعل را نیز از عوامل نقشی مؤثر بر خروج می‌دانند. مشخصاً افعال ربطی بیشترین افعالی هستند که بندهای موصولی از آنها عبور می‌کنند و دلیلش این است که در اکثر موارد دارای اطلاع مفروض هستند.

1. prosodic
2. Focus
3. PF
4. LF
5. stylistic
6. LF

با وجود این، نقش‌گرایان نیز اختلاف‌هایی دارند. گیون (۲۰۰۱: ۲۰۶) می‌گوید خروج بند موصولی اختیاری و ارجح نیست و در شرایط خاصی رخ می‌دهد. حضور بند موصولی در کنار سته خود مؤید اصل تصویرگونی^۱ زبانی است چراکه در این صورت درک بند موصولی به عنوان توصیفگر هسته برای مخاطب راحت‌تر می‌شود. بر همین اساس وی (همان‌جا) می‌گوید بندهای موصولی غیرتجدیدی در مقایسه با بندهای تجدیدی معمولاً یا خروج نمی‌کنند و یا محدودیت بیشتری برای خروج دارند. در مقابل فرانسسیس (۲۰۱۰: ۲۸) می‌گوید با توجه سنگین‌تر بودن بند موصولی از گروه فعلی، طبق اصل سنگینی سازه‌ها و کینر انتقال آن به پس از فعل و انتهای جمله ارجح است. علی‌رغم این تفاوت‌ها رویکرد نقش‌گرایی دو دلیل عمده نقشی را در خروج بند موصولی معرفی کرده‌است:

۱. روچمونت و کولیکور (۱۹۹۰) و هاک و نا (۱۹۹۰) دلایل کلامی را عامل خروج بند موصولی می‌دانند. براساس نظر آنها بند موصولی خارج شده معمولاً نسبت به گروه فعلی دارای اطلاع‌نو بیشتری است و به همین دلیل به انتهای جمله منتقل می‌شود؛
 ۲. هاوکینز (۲۰۰۴) و واسو (۲۰۰۲) وزن بند موصولی را عامل خروج بند موصولی می‌دانند. براین اساس سازه‌های سنگین به انتهای جمله منتقل می‌شوند و هرگاه وزن بند موصولی نسبت به گروه فعلی بیشتر باشد به پس از فعل منتقل می‌شود.
- در این پژوهش نیز بررسی خروج بندهای موصولی تاریخ بی‌هقی برپایه این دو عامل اصلی نقش‌گرایان و دو عامل دیگر به عنوان چهار فرضیه اصلی بررسی خواهد شد.

فرضیه اول: تأثیر طول سازه

اندازه طول و سنگینی یک سازه مقوله دستوری محسوب نمی‌شود اما در ساخت زبان نقش مهمی ایفا می‌کند. از این‌رو، یکی از عوامل مهم نقشی زبان، حرکت سازه‌های طولانی‌تر به آخر جمله است که به عنوان «اصل سنگینی در انتهای جمله» شناخته می‌شود. دایک^۲ (۱۹۹۷: ۱۲۵) عقیده دارد در اکثر زبان‌های دنیا نظمی عادی خارج از زبان وجود دارد که طبق آن سازه‌های پیچیده‌تر - در شرایط همسان - بعد از سازه‌های ساده‌تر قرار می‌گیرند و دلیل آن تسهیل در پردازش ذهنی اطلاعات است. علاوه بر وی، گیون (۲۰۰۱: ۱۴۹)، واسو (۲۰۰۲: ۱۱۲) و هاوکینز (۲۰۰۴: ۸۷) گفته‌اند که حضور بندهای موصولی طولانی در وسط جمله باعث جدایی اجزای بند اصلی از هم و در نتیجه سخت‌تر شدن پردازش می‌شود. این افراد مهم‌ترین دلایل این جابه‌جایی را ساده‌تر شدن تولید گوینده و پردازش آسان‌تر شنونده می‌دانند. گوبل (۲۰۱۳: ۲۰۱۳)

1. Iconicity
2. Dik

۸۳) نیز اشاره می‌کند که نتایج آزمایش‌های روان‌شناسانه نشان داده‌است که طول سازه خروج‌یافته بر پردازش و تولید راحت‌تر گفتار تأثیر می‌گذارد. راسخ‌مهند (۱۳۹۱: ۳۳) می‌گوید در زبان فارسی نیز مانند اکثر زبان‌ها بندهای موصولی طولانی، راحت‌تر و بیشتر جابه‌جا می‌شود. هاوکینز تأکید بسیاری بر نقش پردازش و اهمیت آن در تعیین ساختارهای نحوی زبان دارد. مثلاً در زبان انگلیسی جابه‌جایی گروه اسمی نه در تمامی گروه‌های اسمی بلکه فقط در گروه‌های اسمی سنگین (طولانی) انجام می‌شود. بنابراین فرضیه نخست می‌گوید: هرچه طول و سنگینی بند موصولی بیش از گروه فعلی باشد احتمال خروج آن افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: تأثیر ساخت اطلاعی

هر گوینده هدف ویژه‌ای از بیان پاره‌گفتار دارد و جابه‌جایی عناصر سازنده هر جمله می‌تواند انتقال پیام را تغییر دهد. بررسی توزیع اطلاع در سطح جمله، در حوزه ساخت اطلاعی جمله مطرح می‌شود. این را نخستین بار ویلم متسیوس^۱ در مکتب زبان‌شناسی پراگ معرفی کرد. ساخت اطلاعی جنبه‌ای از دستور جمله است که تعیین می‌کند در موقعیت‌های ارتباطی و کلامی خاص چه ترتیب سازه‌ای انتخاب شود. هر گوینده به صورت ذهنی پیش‌فرض‌هایی از نوع اطلاعات مخاطبش بر موضوع دارد که به آن پیش‌انگاره می‌گویند. به این ترتیب بخشی از جمله به لحاظ اطلاعی دارای اطلاع کهنه است در حالی که بخش‌های دیگر آن اطلاع نو دارند. حوزه‌هایی که مخاطب نسبت به آنها آگاهی دارد یا گوینده فرض می‌کند که مخاطب قادر به شناسایی آن است اطلاع کهنه نامیده می‌شود، درمقابل، اطلاع نو قصد اصلی گوینده از بیان پاره‌گفتار است (سوارز،^۲ ۲۰۰۴: ۱۲۵). در بخش‌های قبلی اشاره شد که علی‌رغم تنوعات موجود، ساخت بی‌نشان زبان فارسی به صورت فاعل، مفعول، فعل^۳ است. با این حال، در موارد زیادی اهل زبان عناصر تشکیل‌دهنده جمله را جابه‌جا می‌کنند و ساخت بی‌نشان جملات را تغییر می‌دهند تا ساخت‌های نشان‌دار زبانی تولید شود. یکی از دلایل مطرح شده برای توجیه چنین تنوع ساختی، چگونگی انتقال اطلاعات از طریق صورت‌بندی‌های متفاوت جملات است، یعنی گوینده هر صورتی را به منظوری خاص و برای انتقال اطلاعاتی مشخص به کار می‌برد. محمودی (۱۳۹۴: ۲۴۸) می‌گوید خروج بند موصولی می‌تواند به دلیل مؤلفه‌های ساخت اطلاعی باشد، چراکه جایگاه پایانی جمله جایگاه اطلاع نو محسوب می‌شود و گوینده برای برجسته‌کردن اطلاع نو و کانونی، آن را به انتهای جمله می‌برد. بر این اساس دومین فرضیه

1. Matesius
2. Suarez
3. SOV

بدین صورت بیان می‌شود: خروج بند موصولی با ساخت اطلاعی جمله مرتبط و هدف آن برجسته کردن اطلاع نو در برابر اطلاع کهنه است.

فرضیه سوم: تأثیر یکسان بودن فعل بند اصلی و بند موصولی

غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴: ۴۷) و محمودی (۱۳۹۴: ۲۵۳) می‌گویند در زبان فارسی هرگاه فعل بند اصلی و بند موصولی یکسان باشد، برای جلوگیری از پشت سر هم واقع شدن این دو فعل، بند موصولی به پایان جمله منتقل می‌شود. پس سومین فرضیه می‌گوید: یکسانی فعل بند اصلی و بند موصولی احتمال خروج بند موصولی را افزایش می‌دهد.

فرضیه چهارم: تأثیر نوع فعل

بر اساس نظر راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۱: ۳۴) افعال ربطی احتمال خروج را افزایش می‌دهند و در بندهایی که فعل اصلی آنها متعدی است احتمال خروج پایین‌تر می‌آید. محمودی (۱۳۹۴: ۲۵۷) نیز می‌گوید افعال متمم‌پذیر چون «دیدن» و «شنیدن» احتمال خروج را افزایش می‌دهند و افعال ایستایی مثل «دانستن» و «بودن» که مفهوم دوام و استمرار دارند - به دلیل نظام اقتصادی زبان - حرکت بند در محور زمان و تداوم را اجباری می‌کنند. با وجود این کولیکاور و روچمونت (۱۹۹۰: ۳۴) این فرضیه را رد کرده‌اند. آنها می‌گویند چون تمامی افعال اجازه خروج به بند موصولی را می‌دهند نمی‌توان تفاوتی میان نوع فعل دید و بافت زبانی تعیین‌کننده خروج بند موصولی است. در این مقاله نیز با استفاده از تقسیم‌بندی افعال بر مبنای نظام گذرایی در مدل دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی به بررسی تأثیر نوع فعل بر خروج بند موصولی پرداخته‌ایم. در این دستور مفهوم گذرایی با مفهوم سنتی فرق دارد. گذرایی تنها برای اشاره به وجود داشتن یا نداشتن مفعول برای یک فعل به کار نمی‌رود بلکه به هر عضو جمله برچسبی می‌دهد. به عبارت دیگر، در این نظام به جای صحبت درباره فعل درباره فرایند که کلی‌تر است صحبت می‌شود. هالیدی عقیده دارد که نوع فعل تأثیری مستقیم بر انتخاب و عملکرد سایر اجزای جمله دارد. شش طبقه افعال از نظر وی عبارت‌اند از: ۱. افعال فرایند مادی^۱: افعالی چون اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رنگ کردن، باز کردن، رفتن و ... که اعمال فیزیکی دال بر انجام کار یا رخداد واقعه را نشان می‌دهند (هالیدی و متسین، ۲۰۰۴: ۱۷۹-۱۹۰).

۲. افعال فرایند ذهنی^۱: افعالی که به تجربه ما از جهان خودمان مربوط‌اند، مانند درک کردن، فکر کردن، خواستن، تصمیم گرفتن، دوست داشتن، ترسیدن و ... (همان: ۱۹۷).

۳. افعال فرایند رابطه‌ای^۲: افعالی که به توصیف یا شناسایی مربوط می‌شوند و با افعال ربطی بودن، شدن، به نظر رسیدن، تبدیل شدن و ... بیان می‌شوند (همان: ۲۱۰-۲۲۸).

۴. افعال فرایند رفتاری^۳: افعالی که به رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی انسان مربوط می‌شوند مانند نگاه کردن، گریه کردن، لبخند زدن، نفس کشیدن، آواز خواندن، نشستن و ... (همان: ۲۴۸).

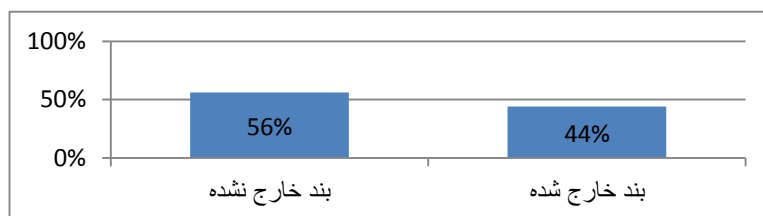
۵. افعال فرایند کلامی^۴: افعالی از فرایندهایی از نوع سخن گفتن مانند گفتن، اظهار کردن، بیان کردن، شرح دادن، توضیح دادن، صحبت کردن، گزارش دادن، پرسیدن، دستور دادن و ... (همان: ۲۵۲-۲۵۶).

۶. افعال فرایند وجودی^۵: افعالی که وجود داشتن یا اتفاق افتادن چیزی را بیان می‌کنند، چون وجود داشتن، ظاهر شدن، آویزان بودن، باقی ماندن و ... (همان: ۲۵۶).

براین اساس چهارمین فرضیه این پژوهش بدین شرح است: نوع فعل بند اصلی از لحاظ قرارگیری در نظام گذرابی هالیدی بر خروج بند موصولی تأثیر مستقیم دارد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

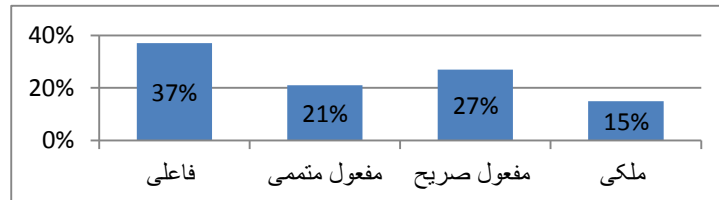
در بررسی داده‌های تاریخ بیهقی پرسش اصلی این است که چه عواملی بر خروج بند موصولی در آن تأثیرگذار است و کدام عامل بیشترین تأثیر را دارد؟ برای پاسخ چهار فرضیه معرفی شده را بررسی می‌کنیم. از مجموع ۱۵۰ بند موصولی استخراج شده، در ۶۶ مورد بند موصولی از جایگاه خود حرکت کرده و به پس از فعل منتقل شده است که ۴۴ درصد از بندهاست. از این تعداد ۲۴ بند از مجلد پنجم، ۲۴ بند از مجلد ششم و ۱۸ بند از مجلد هفتم انتخاب شده است. درصد نسبتاً بالای خروج بند موصولی اهمیت مطالعه این فرایند را در این اثر نشان می‌دهد.



نمودار ۱: درصد خروج بندهای موصولی در مجلدهای پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

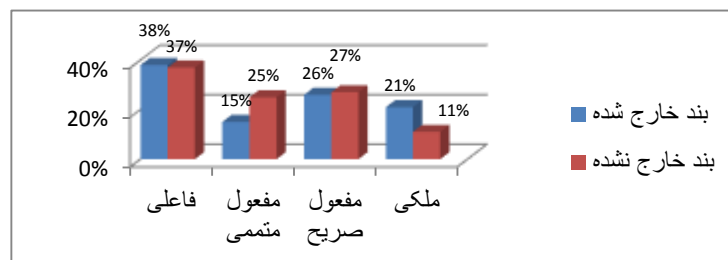
1. Mental
2. Relational
3. Behavioral
4. Verbal
5. Existential

علاوه بر این، بررسی بندهای موصولی نشان می‌دهد که احتمال موصولی‌سازی در تمامی جایگاه‌های نحوی قابل مشاهده است و طبق ادعای کنین و کامری (۱۹۷۷: ۹۰) بسامد موصولی‌سازی فاعل بیش از سایر جایگاه‌هاست. براساس داده‌های این پژوهش موصولی‌سازی از جایگاه فاعلی ۵۶، مفعول متممی ۳۱، مفعول صریح ۴۰ و ملکی ۲۳ مورد است:



نمودار ۲: درصد جایگاه موصولی‌سازی در کل بندهای موصولی مجلدهای پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

بررسی تفکیکی بندهای موصولی خارج‌شده و خارج‌نشده نیز تأییدکننده درصد بیشتر جایگاه فاعلی برای موصولی‌سازی است؛ از میان ۶۶ بند موصولی خارج‌شده موصولی‌سازی در ۲۵ مورد از جایگاه فاعلی، ۱۰ مورد از جایگاه مفعول متممی، ۱۷ مورد از جایگاه مفعول صریح و ۱۴ مورد از جایگاه ملکی رخ داده است. از بین ۸۴ بند موصولی خارج‌نشده نیز موصولی‌سازی ۳۱ مورد در جایگاه فاعلی، ۲۱ مورد در جایگاه مفعول متممی، ۲۳ مورد در جایگاه مفعول صریح و ۹ مورد در جایگاه ملکی رخ داده است.



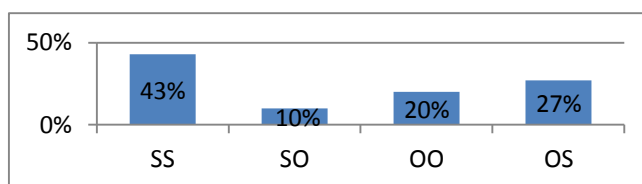
نمودار ۳: درصد تفکیکی جایگاه موصولی‌سازی بندهای موصولی مجلدهای پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

با مقایسه نتایج نمودار تفکیکی به این نتیجه می‌رسیم که درصد موصولی‌سازی در بندهای موصولی خارج شده از جایگاه ملکی بیش از بندهای موصولی خارج نشده است و در جایگاه مفعول متممی شرایط برعکس است. درصد موصولی‌سازی از جایگاه‌های فاعلی و مفعول صریح در هر دو نوع بند نزدیکی معناداری به هم دارد. به‌طور کلی در اکثر زبان‌های دنیا درصد موصولی‌سازی از جایگاه فاعلی بیش از سایر جایگاه‌هاست. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌هایی چون اگردی و لی و چو (۲۰۰۳)، گیسون و دیگران (۲۰۰۵)، بور^۱ (۱۹۷۰)، مک

1. Bever

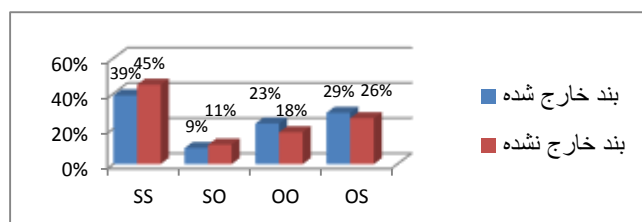
رنوالد و کریستیانسن (۲۰۰۲) بر انگلیسی، چین جار و بور (۲۰۰۶) بر چینی و نعمت‌زاده و دیگران (۱۳۹۲) و رحمانی و دیگران (۲۰۱۰) بر فارسی نشان می‌دهد که درک بندهای موصولی فاعلی به دلایلی چون حفظ ترتیب واژگانی درون بند، فاصله‌سازهای بین هسته و بند^۱ و فاصله‌خطی بین هسته و بند^۲ راحت‌تر از بندهای موصولی مفعولی است.

تقسیم‌بندی بندهای موصولی این اثر با توجه به نوع هسته بند موصولی براساس الگوی فری‌من و موری‌کا (نقل‌شده در آناس، ۲۰۰۴: ۹۳) نیز نشان می‌دهد که بند موصولی فاعلی-فاعلی^۳ با ۶۴ مورد بیشترین درصد و بند موصولی فاعلی-مفعولی^۴ با ۱۵ مورد کمترین درصد را دارد. در سایر بندها نیز مفعولی-مفعولی^۵ ۳۰ و مفعولی-فاعلی^۶ ۴۱ مورد است.



نمودار ۴: انواع بندهای موصولی براساس نوع هسته در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

بررسی تفکیکی بندهای موصولی خارج‌شده و خارج‌نشده در این دیدگاه نیز تأییدکننده درصد بیشتر بندهای موصولی فاعلی-فاعلی در هر دو نوع بند موصولی است. بر این اساس ۲۶ مورد بند فاعلی-فاعلی در بندهای خارج‌شده و ۳۸ مورد در بندهای خارج‌نشده، ۶ مورد بند فاعلی-مفعولی در بندهای خارج‌شده و ۹ مورد در بندهای خارج‌نشده، ۱۵ مورد بند مفعولی-مفعولی در بندهای خارج‌شده و ۱۵ مورد در بندهای خارج‌نشده و در نهایت ۱۹ مورد بند مفعولی-فاعلی در بندهای خارج‌شده و ۲۲ مورد در بندهای خارج‌نشده هست:



نمودار ۵: انواع تفکیکی بندهای موصولی براساس نوع هسته در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

1. structural distance
2. linear distance
3. SS
4. SO
5. OO
6. OS

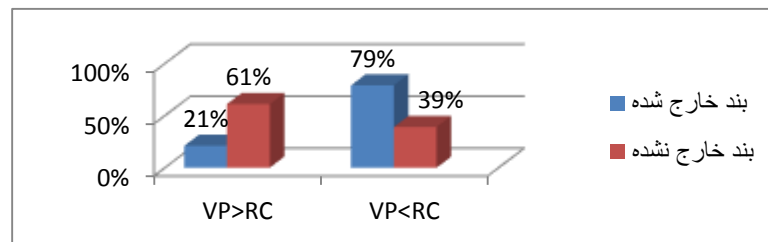
از آنجاکه موضوع ما بررسی عوامل مؤثر بر خروج بندهای موصولی است نوع بند موصولی در این مقاله متغیری خنثی است. پس برای آزمایش فرضیه‌های پژوهش تأثیر عوامل نقشی مفروض روی همه بندهای موصولی خارج شده را بررسی می‌کنیم.

۴-۱- تأثیر طول سازه بر خروج بند موصولی

بر اساس فرضیه اول احتمال خروج بند موصولی در صورتی که طول بند نسبت به طول گروه فعلی بیشتر باشد، افزایش می‌یابد. پس ابتدا طول بند موصولی^۱ در مقایسه با طول گروه فعلی^۲ در بندهای موصولی خارج نشده بر اساس تعداد کلمات سنجش شدند که نتایج نشان داد در ۶۱ درصد از این بندها گروه فعلی بزرگ‌تر از بند موصولی است و در ۳۹ درصد باقی مانده وضعیت برعکس است. در مقابل، نتایج بررسی بندهای موصولی خارج شده نشان داد که از ۶۶ بند خارج شده در ۵۲ مورد بند موصولی بزرگ‌تر از گروه فعلی است و تنها در ۱۴ مورد از بندهای موصولی خارج شده طول بند موصولی کوچک‌تر از گروه فعلی است. به عبارت دیگر، در ۷۹ درصد از بندهای موصولی خارج شده بند موصولی سنگین‌تر از گروه فعلی و در ۲۱ درصد گروه فعلی سنگین‌تر از بند موصولی است. نمونه‌های زیر از خروج بند موصولی در تاریخ بیهقی، مؤید این فرضیه است:

و ما همه در حسرت دیدار وی* ماندیم که هفته‌یی بود تا که ندیده بودیم (مجلد پنجم: ۵۱).
و به هیچ حال این کار از وی* بر نیاید که جز به نشاط و لهو مشغول نیست (مجلد پنجم: ۵۵).
آن رکابدار* پیش آمد که به فرمان سلطان محمود رضی ... عنه گسیل کرده آمده بود (مجلد پنجم: ۶۰).

بررسی آمار در نمودار ۶ نشان می‌دهد که در این اثر طول بند موصولی بسیار بر خروج بند موصولی تأثیر مستقیم می‌گذارد. پس هرچه بند موصولی از نظر تعداد واژگان بزرگ‌تر از گروه فعلی باشد یا به عبارتی، بند موصولی سنگین‌تر از گروه فعلی باشد احتمال خروج بند موصولی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب فرضیه ما اثبات می‌گردد.



نمودار ۶: تأثیر طول سازه بر خروج بند موصولی در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

1. RC
2. VP

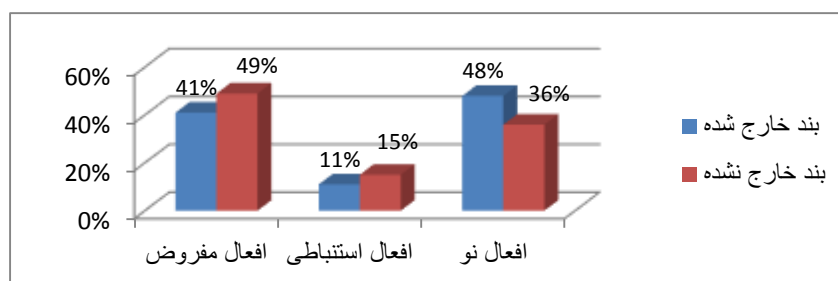
۲-۴- تأثیر ساخت اطلاعی بر خروج بند موصولی

برای آزمایش فرضیه دوم از روش راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۱: ۳۲) استفاده شده است. آنها براساس دیدگاه فرانسویس (۲۰۱۰: ۱۷) دو فرضیه زیر را در نظر می‌گیرند:

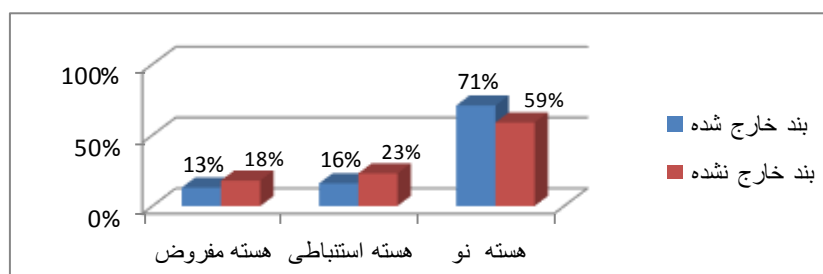
- در بندهای موصولی خارج‌شده، تعداد افعال بند اصلی مفروض بیشتر است.

- در بندهای موصولی خارج‌شده، تعداد هسته‌های بند موصولی نو بیشتر است.

برای اثبات فرضیه در دو مرحله، افعال بندهای اصلی و هسته بند موصولی به سه گروه مفروض، استنباطی و نو تقسیم شدند. افعال مفروض، افعال بندهای اصلی هستند که حداقل در ۱۰ جمله قبل از بند موصولی بررسی شده عیناً به کار رفته‌اند. افعالی را که در همین محدوده هم‌معنی با افعال بندهای اصلی به کار رفته‌اند افعال استنباطی، و فعلی که هیچ‌یک از این ویژگی‌ها را ندارد فعل نو می‌نامند. این حالت در هسته بند موصولی نیز وجود دارد. پس از بررسی اثر نتایج تقسیم‌بندی‌ها بدین شرح است:



نمودار ۷: ساخت اطلاعی افعال در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی



نمودار ۸: ساخت اطلاعی هسته در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

نمودار ۷ نشان می‌دهد که در بندهای موصولی خارج‌شده افعال نو با ۴۸ درصد بیشترین درصد را دارند و افعال مفروض با ۴۱ درصد نزدیکی معناداری با آنها دارند. به عبارتی دیگر، ۵۲ درصد از افعال در بندهای موصولی خارج‌شده دارای اطلاع کهنه (مجموع مفروض و

استنباطی) هستند، درحالی‌که در بندهای موصولی خارج‌نشده ۴۹ درصد از افعال ساخت اطلاعاتی مفروض و ۳۶ درصد ساخت اطلاعاتی نو دارند. بنابراین بخش اول این فرضیه که در بندهای موصولی خارج‌شده، تعداد افعال بند اصلی مفروض بیشتر است رد می‌شود چراکه در داده‌های این پژوهش در بندهای موصولی خارج‌نشده افعال مفروض بالاترین درصد را دارند و در بندهای موصولی خارج‌شده اگرچه اختلاف بسیار نزدیکی بین افعال نو و مفروض وجود دارد اما افعال نو درصد بیشتری دارند.

دومین بخش این فرضیه با توجه به نتایج نمودار ۸ تا حدودی تأیید می‌شود. بر این اساس در ۷۱ درصد از بندهای موصولی خارج‌شده ساخت اطلاعاتی دارای هسته نو، ۱۶ درصد استنباطی و ۱۳ درصد مفروض است. از طرف دیگر تناسب نسبتاً یکسانی نیز در ساخت اطلاعاتی هسته در بندهای موصولی خارج‌نشده وجود دارد - ۵۰ درصد نو، ۲۳ درصد استنباطی و ۱۸ درصد مفروض - پس در بندهای موصولی خارج‌شده و خارج‌نشده درصد هسته با ساخت اطلاعاتی نو نسبت به دو مورد دیگر بالاتر است. در نتیجه این عامل نمی‌تواند بر خروج بند موصولی تأثیر شایانی داشته باشد. با این حال، از آنجا که در بخش‌های پژوهش درصد هسته با ساخت اطلاعاتی نو در بندهای خارج‌شده در مقایسه با بندهای خارج‌نشده بالاتر است می‌توان تا حدی این فرضیه را که در بندهای موصولی خارج‌شده، تعداد هسته‌های بند موصولی نو بیشتر است تأیید کرد. در مجموع براساس داده‌ها نمی‌توان تأثیرگذاری زیادی برای ساخت اطلاعاتی بر خروج بند موصولی در مجلدهای پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی قائل شد.

۴-۳- تأثیر یکسان بودن فعل بند اصلی و بند موصولی بر خروج بند موصولی

برای اثبات فرضیه سوم افعال بندهای اصلی و موصولی در تمام ۱۵۰ بند موصولی این پژوهش بررسی شد که در ۱۱ مورد از کل بندها، فعل بند اصلی و بند موصولی یکسان بود. در همه این ۱۱ مورد، فرایند خروج بند موصولی رخ داده‌است. مثال‌هایی که می‌آید چهار مورد از یکسان بودن فعل بند اصلی و بند موصولی را در تاریخ بیهقی نشان می‌دهد که باعث خروج بند موصولی از جایگاه اصلی شده‌است:

و کارها همه بر غازی حاجب* بود که سپاه سالار بود (مجلد پنجم: ۸۲).

چند کرامت* است که نیافته‌است (مجلد ششم: ۱۰۸).

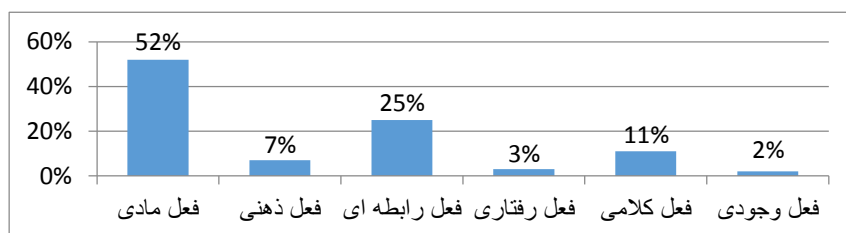
و هیچ‌کس این کارهای بزرگ* نکرد که این پادشاه محتشم کرد (مجلد ششم: ۱۳۹).

او از بزرگانی* بود که استاد عبدالرحمن سفارش کرده بود (مجلد ششم: ۱۴۲).

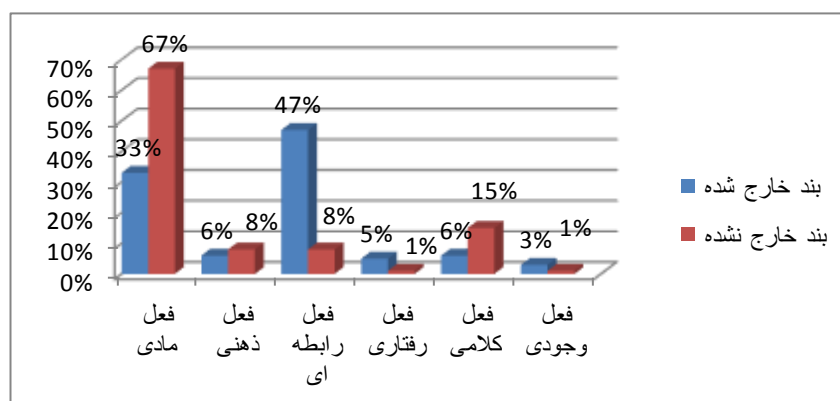
با توجه به این شواهد در صورت یکسان بودن فعل بند اصلی و بند موصولی فرایند خروج بند موصولی قطعاً رخ خواهد داد. پس فرضیه سوم درباره خروج بند موصولی در تاریخ بیهقی نیز به طور کامل تأیید می‌گردد.

۴-۴- تأثیر نوع فعل بر خروج بند موصولی

در این بخش براساس مفهوم گذرایی که هسته اصلی دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هالیدی است (هالیدی و متسین، ۲۰۰۴: ۴۵) افعال را در شش طبقه قرار دادیم. بررسی افعال بندهای موصولی نشان داد که ۷۸ بند دارای فعل مادی، ۱۱ بند فعل ذهنی، ۳۸ بند فعل رابطه‌ای، ۴ بند فعل رفتاری، ۳ بند فعل وجودی و ۱۶ بند هم فعل کلامی دارند:



نمودار ۹: درصد نوع فعل در کل بندهای موصولی در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی



نمودار ۱۰: درصد تفکیکی نوع فعل در بندهای موصولی در مجله‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی

داده‌های نمودار ۱۰ نشان می‌دهد که بیشترین درصد افعال در بندهای جداشده رابطه‌ای هستند در حالی که در بندهای جداشده درصد بالاتر متعلق به فرایند مادی است. تعداد افعال در بندها به صورت تفکیکی به شرح زیر است: ۲۲ مورد فعل مادی در بندهای خارج‌شده و ۵۶ مورد در بندهای خارج‌نشده، ۴ مورد فعل ذهنی در بندهای خارج‌شده و ۷ مورد در بندهای

خارج‌نشده، ۳۱ مورد فعل رابطه‌ای در بندهای خارج‌شده و ۷ مورد در بندهای خارج‌نشده، ۳ مورد فعل رفتاری در بندهای خارج‌شده و ۱ مورد در بندهای خارج‌نشده، ۴ مورد فعل کلامی در بندهای خارج‌شده و ۱۲ مورد در بندهای خارج‌نشده و ۲ مورد فعل وجودی در بندهای خارج‌شده و ۱ مورد در بندهای خارج‌نشده. با توجه به نزدیکی درصد افعال ذهنی، رفتاری، کلامی و وجودی در هر دو نوع بند جداشده و جدانشده مشخص می‌شود که این افعال تأثیری بر خروج بند موصولی ندارند درحالی‌که درصد معکوس افعال مادی و رابطه‌ای نشان‌دهنده تأثیر مستقیم این افعال بر خروج بند موصولی است. ۴۷ درصد از بندهای خارج‌شده دارای فعل رابطه‌ای‌اند که نسبت به سایر افعال به طرز معنی‌داری بیشتر است. مثال‌های زیر از تاریخ بیهقی نشان‌دهنده خروج بند موصولی در جملاتی است که فعل اصلی آنها ربطی است:

و روزی* بود که مانند آن کس یاد نداشت (مجلد پنجم: ۷۵).

و کارها همه بر غازی حاجب* بود که سپاه‌سالار بود (مجلد پنجم: ۸۲).

چند مهم دیگر* است که ناگفته مانده است (مجلد ششم: ۱۰۸).

و تمام‌مردی* باشد که چنین تواند کرد و گردن حرص و آز تواند شکست (مجلد هفتم: ۲۶۲).

این غلامی* بود که از میان هزار غلام چنو بیرون نیاید (مجلد هفتم: ۲۶۰).

در بندهای جدانشده اما ۶۷ درصد افعال مادی و تنها ۸ درصد از افعال رابطه‌ای‌اند. در مثال‌های زیر در ساخت موصولی فعل اصلی مادی است و بند موصولی در جایگاه خود حفظ شده و خروج نکرده است:

از احوال لشکر منصور که امروز اینجا مقیم‌اند نبشتند (مجلد پنجم: ۵۷).

و امیر رضی ... عنه حسن سلیمان را که او از بزرگان امیران جبال هراه بود، بخواند و بناخت و گفت (مجلد پنجم: ۵۹).

عبدا... طاهر که حاجب بزرگ بود پیش امیرالمؤمنین مأمون رفت (مجلد پنجم: ۶۶).

غلامی که او را قماش گفتندی درآمد (مجلد ششم: ۱۴۳).

حسن سهل با بزرگی‌ای که در روزگار خویش تو را بود پیاده شد (مجلد هفتم: ۱۵۵).

بنابراین نوع فعل نیز یکی از عوامل مؤثر بر خروج بند موصولی است و بندهایی که فعل اصلی‌شان ربطی باشد احتمال خروج بیشتری دارند درحالی‌که بندهایی که فعل مادی دارند کمتر اجازه خروج می‌دهند.

۵- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی عملکرد فرایند خروج بند موصولی براساس معیارهای نقشی بر تاریخ بیهقی بود تا بستری برای مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌های صورت‌گرفته بر

متون معاصر فراهم گرد. با توجه به حجم اثر و نیز افزایش ضریب دقت ۱۵۰ بند موصولی از مجلدهای پنجم، ششم و هفتم تاریخ بیهقی به صورت خوشه‌ای-تصادفی استخراج و برپایه چهار فرضیه تحلیل و بررسی شد. وجود ۶۶ بند موصولی خروج‌یافته در بین ۱۵۰ بند موصولی موجود نشان از تشابه نسبی رخداد این فرایند با زبان فارسی معاصر دارد. این پژوهش نشان می‌دهد فرضیه‌های تأثیر طول سازه، یکسان بودن فعل بند اصلی و موصولی و نوع فعل تأثیر مستقیمی بر خروج بند موصولی دارند درحالی‌که تأثیر ساخت اطلاعی بر خروج بند موصولی در تاریخ بیهقی به اثبات نرسید. در این بین بیشترین تأثیر مربوط به طول سازه و یکسان بودن فعل بند اصلی و موصولی بود چراکه نتایج نشان داد که هر قدر طول بند موصولی از لحاظ تعداد واژگان در مقایسه با گروه فعلی بیشتر باشد احتمال خروج بند موصولی افزایش می‌یابد. همچنین مشاهده شد که در تمامی بندهای موصولی که فعل بند اصلی و موصولی یکسان بود فرایند خروج بند موصولی رخ می‌دهد تا از کنار هم واقع شدن دو فعل یکسان در انتهای جمله پیشگیری شود. این نتیجه هم‌سو با نظر بهار (۱۳۷۳: ۸۸-۸۹) است که می‌گوید از ویژگی‌های نثر فارسی دوران بیهقی پرهیز از تکرار فعل در جمله است. به نظر وی در این دوره تکرار جای خود را به حذف به قرینه داده‌است و جملات این دوره نسبت به جملات عصر پیش‌تر - سامانیان - بسیار بلندتر است و نویسندگان سعی کرده‌اند با آوردن یک فعل چند مفهوم را به خواننده القا کنند. تأثیر ساخت اطلاعی فعل و هسته نیز اگرچه به طور کامل تأیید نشد اما شواهد موجود بسیار به فرضیات فرانسیس (نقل شده از راسخ‌مهند و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲) نزدیک است. نتایج این پژوهش قرابت معناداری با نتایج پژوهش راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۱: ۳۷) بر پیکره زبانی فارسی معاصر دارد و نشان می‌دهد که فرایند خروج بند موصولی در این دو گونه زبان فارسی از منظر عوامل نقش‌گرایی یکسان عمل می‌کند هرچند تفاوت‌های جزئی در میزان فراوانی عوامل دیده می‌شود.

پیوست

۶۶ بند موصولی خروج‌یافته استخراج‌شده در تاریخ بیهقی (مجلد پنجم ۲۴ بند، مجلد ششم ۲۴ بند و مجلد هفتم ۱۸ بند):

۱. و سایه بر مملکتی * افکند که خلیفت آن بود (۴۴).
۲. مدتی بر سر ملک غزنین و خراسان و هندوستان * نشیند که جایگاه امیران پدر و جدش بود (۴۳).
۳. و روزی * گذشت که کس مانند آن یاد نداشت (۴۶).
۴. و ما همه در حسرت دیدار وی * ماندیم که هفته‌ای ندیده بودیم (۵۱).
۵. وی * باید این کار به دست گیرد که ولی عهد پدر است (۵۲).

۶. و سوی خراسان* می‌رویم که سلطان بزرگ گذشته شد و کار مملکتی سخت بزرگ مهمل آنجا (۵۳).
۷. و به هیچ حال این کار از وی* بر نیاید که جز به نشاط و لهو مشغول نیست (۵۵).
۸. امیر گفت ما* رفتنی‌ایم که شغلی بزرگ در پیش داریم و اصل آن است (۵۶).
۹. و این بندگان آنجا* روند که طاهر دبیر می‌نشست (۵۷).
۱۰. و اعیان ری را به خیمه بزرگ* آوردند که طاهر دبیر آنجا می‌نشست (۵۷).
۱۱. و من در اعتقاد این مرد* سخن جز نیکویی نگویم که قریب سیزده و چهارده سال او را می‌دیدم (۶۰).
۱۲. و چیزی* نگفت که از آن دلیلی توانستی کرد بر بدی اعتقاد وی (۶۰).
۱۳. آن رکابدار* پیش آمد که به فرمان سلطان محمود رضی ا... عنه گسیل کرده آمده بود (۶۰).
۱۴. و کاری* ساختند که کسی به هیچ روزگار به آن جمله یاد نداشت (۶۰).
۱۵. و روزی* بود که مانند آن کس یاد نداشت (۷۵).
۱۶. و کارها همه بر وی* می‌رفت که سپاه‌سالار بود (۸۲).
۱۷. و چنین خبری* رسید که حاجب بزرگ علی به اسفزار رسید با پیل و خزانه و لشکر هند و بنه‌ها (۸۳).
۱۸. و سلطان بر تختی اندر آن رواق* بود که پیوسته است بدان (۸۴).
۱۹. و هر چند بندگان شایسته* بسیارند که در رسیده‌اند و در خواهد رسید (۸۴).
۲۰. که فرجی به مکران خواهم فرستاد تا عیسی مغرور* را براندازد که عاصی‌گونه شده‌است (۸۵).
۲۱. و در خانه‌ای* بردند که در پهلوی آن صغه بود (۸۶).
۲۲. و جایی* همه گرد خواهند آمد که رازها آشکارا شود (۸۷).
۲۳. چند مهم دیگر* است که ناگفته مانده‌است (۱۰۸).
۲۴. چند کرامت* است که نیافته‌است (۱۰۸).
۲۵. چنان گویم که فاضل‌تر ملوک گذشته گروهی* هستند که بزرگتر بودند (۱۱۹).
۲۶. ناکامی دیدند و نادره‌ای* افتاد که در این جهان بسیار دیده‌اند (۱۲۱).
۲۷. و هر مردی* حال وی بر این جمله باشد که یاد کردم (۱۲۲).
۲۸. و چه بسیار مردم* بینم که امر به معروف کنند و نهی از منکر (۱۲۵).
۲۹. یک روزی با بلعمی* خلوتی کرد که بزرگتر وزیر وی بود (۱۲۷).
۳۰. و از جمله هفتاد و اند تن را* به بخارا آوردند که رسمی و خاندانی و نعمتی داشتند (۱۲۸).
۳۱. و تاریخ‌ها* دیده‌ام بسیار که پیش از من کرده‌اند (۱۲۹).
۳۲. و به حصری* رسید که آن را برتر می‌گفتند (۱۳۵).
۳۳. و هیچ‌کس این کارهای بزرگ* نکرد که این پادشاه محتشم کرد (۱۳۹).
۳۴. بر او دو قفل باشد و آن وقت* گشایند که امیر مسعود به خواب آنجا رود (۱۴۰).
۳۵. و کلیدها به دست خادمی* است که او را بشارت گویند (۱۴۰).
۳۶. و امیر محمود چند آشنا* داشت که با این امیر فرزندش بودی پیوسته (۱۴۰).
۳۷. پدر بومطیع* هستم که هنباز خداوند است (۱۴۵).

۳۸. و دیگر سال امیر به بلخ* رفت که اینجا مهمات بود (۱۴۶).
۳۹. و این جواب به مشهد من* داد که عبدالغفارم (۱۴۹).
۴۰. و فراشی پیر* بود که پیغام‌های ایشان آوردی و بردی (۱۴۹).
۴۱. وی پادشاهی* است که اندر جهان همتا ندارد (۱۵۱).
۴۲. و نامه‌ها به خط من* رفت که عبدالغفارم (۱۵۲).
۴۳. جانب خویشتن می‌خواهد تا با وی* استوار کند که مردی زیرک، پیر و دوربین است (۱۵۲).
۴۴. و شغل درگاه همه بر حاجب غازی* می‌رفت که سپه‌سالار بود و ولایت بلخ و سمنگان او داشت (۱۵۴).
۴۵. و دلی* آنجا نهاد که بدان برادرش را بکشت (۱۵۶).
۴۶. مگو صواب باشد که بونصر مشکان* نیز اندر میان باشد، که مردی راست است (۱۷۹).
۴۷. افشین را* دیدم که از در درآمد با کمر و کلاه (۱۸۹).
۴۸. و دو مرد* پیک راست کردند با جامهٔ پیکان که از بغداد آمده‌اند (۱۹۶).
۴۹. پس به بغلان به ما* بییوندی که در راه سمنگان و هرجایی چندی به صید و شراب مشغولیم (۲۵۳).
۴۹. و چنین روزگار* کس یاد نداشت که جهان عروسی را مانست و پادشاه محتشم بی‌منازع فارغ دل می‌رفت (۲۵۵).
۵۰. این غلامی* بود که از میان هزار غلام چنو بیرون نیاید (۲۶۰).
۵۱. و این غلام را* به تو بخشیدم که چنو بسیار است (۲۶۰).
۵۲. و تمام‌مردی* باشد که چنین تواند کرد و گردن حرص و آز تواند شکست (۲۶۲).
۵۳. و چنان زحمتی* بود که سخت رنج می‌رسید (۲۶۲).
۵۴. این روز و این شب* چندان شادی و طرب و گشتن و شراب خوردن و مهمان رفتن و خواندن بود که کس یاد نداشت (۲۶۳).
۵۵. در علی دایه* چه گوید که مردی محتشم و کاری است (۲۷۱).
۵۶. و آن تحریر من* کردم که بولفضلیم (۲۹۷).
۵۷. آنچه نبشته بوده‌است آن تضریبی بوده‌است که بولفتح میان دو مهتر* ساخت که با یکدیگر بد بودند. (۳۰۷).
۵۸. و این شهر را* سخت دوست داشتی که آنجا روزگار به خوشی گذشته بود (۳۴۳).
۵۹. روزی* گذشت که کس مانند آن یاد نداشت (۳۴۳).
۶۰. و این رسمی* بود که در خراسان روا بود (۳۴۶).
۶۱. در شهری* مقام مکنید که پادشاهی قاهر قادر و حاکمی عادل و بارانی دائم نباشد (۳۴۶).
۶۲. او از بزرگانی* بود که استاد عبدالرحمن سفارش کرده بود (۳۴۷).
۶۳. و من آن* گویم که وی گفته‌است و کس نکرده و نشنوده‌است در هیچ روزگاری (۳۴۸).
۶۴. بوسهل* حمدوی آمد که مردی است شهم و کافی (۳۴۹).
۶۵. پس لباس شرم* می‌پوشد که لباس ابرار است (۳۴۹).

منابع

- استاجی، ا. ۱۳۸۹. «بررسی تاریخی کارکردهای چندگانه «که» در فارسی امروز». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، (۳): ۱-۱۳.
- اسماعیل‌پور، و. ۱۳۸۹. «مقایسه سبک‌شناسانه بین نامه‌های تاریخ بیهقی و متن روایی». *علوم ادبی*، (۵): ۲۳۵-۲۶۰.
- افراشی، آ. ۱۳۸۸. *ساخت زبان فارسی*، تهران: سمت.
- بیهقی، م. ح. ۱۳۸۳. *تاریخ بیهقی*، تصحیح ع. ا. فیاض، به اهتمام م. ج. یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- بهار، م. ت. ۱۳۷۳. *سبک‌شناسی*، تهران: سپهر.
- راسخ‌مهند، م.، م. علیزاده صحرای، ر. ایزدی‌فر و م. قیاسوند. ۱۳۹۱. «تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، (۱): ۲۱-۴۰.
- شفایی، ا. ۱۳۶۲. *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: نشر نوین.
- صفوی، ک. ۱۳۷۳. «برخی از ویژگی‌های بندهای موصولی زبان فارسی». *مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*، دانشگاه علامه طباطبایی تهران. ۱۸۱-۱۹۷.
- غلامعلی‌زاده، خ. ۱۳۷۴. *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیاء کتاب.
- ماهوتیان، ش. ۱۳۸۷. *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناختی*، ترجمه م. سمایی. تهران: مرکز محمودی، س. ۱۳۹۴. «بررسی نحوی بندهای موصولی در زبان فارسی: فرایند حرکت بند». *جستارهای زبانی*، (۲۴): ۲۴۱-۲۶۹.
- مشکوه‌الدینی، م. ۱۳۸۴. *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*، تهران: سمت.
- نعمت‌زاده، ش.، ب. روشن، م. ا. غیاثیان، و م. غفاری. ۱۳۹۲. «سطوح پیچیدگی بندهای موصولی فاعل - فاعل و مفعول در کودکان فارسی‌زبان ۳ تا ۶ ساله». *جستارهای زبانی*، (۴): ۲۲۱-۲۴۴.
- Ahangar, A. A. 2000. The Subordinate Clause Construction in Persian based on Government and Binding Theory. PhD Dissertation. Tehran University, Iran.
- Anderson, R. 2009. Grammar Teaching Unit -Relative Clauses. 215C, Helt, CSUS. Retrieved 2012. form <http://pdfsb.com/grammar>, teaching unit relative clauses running head grammar.
- Annas, V. 2004. Relative Clauses: Introducing Relative Clause Types According to Order of Difficulty and Frequency. Descriptive Linguistics, EFL503 final paper.
- Baltin, M. 2006. Extraposition. M. Everaert, H.C. Riemsdijk, van, (eds.), The Blackwell Companion to Syntax, vol. 2. Blackwell, Malden, MA. 237-271.
- Bever, T. G. 1970. The cognitive basis for linguistic structures. In J. R. Hayes (ed.), Cognition and the development of language. New York Wiley.

- Chien-Jar, C. L. & T. Bever. 2006. Subject preference in the processing of relative clauses in Chinese. In D. Baumer, D. Montero, & M. Scanlon (eds.), *Proceedings of the 25th West Coast Conference on Formal Linguistics*. 254–260. Somerville, MA: Cascadilla Press.
- Chomsky, N. 1986. *Barriers*. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- Comrie, B. 1996. *Language Universals and Linguistic Typology: Syntax and Morphology*. Blackwell Publishers: Oxford.
- Culicover, P. & M. Rochemont. 1990. Extraposition and the Complement Principle. *Linguistic Inquiry*, (21): 23-47.
- Dik, Simon C. 1997. *The Theory of Functional Grammar, Part1: The Structure of the Clause*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Fukui, N. 1993. Parameters and optionality. *linguistics inquiry*, (24): 399-420.
- Francis, E. J. 2010. Grammatical weight and relative clause extraposition in English. *Cognitive Linguistics*, (21): 7-35.
- Gibson, E., T. Desmet, D. Grodner, D. Watson & K. Ko. 2005. Reading Relative Clauses in English. *Cognitive Linguistics* (2-16): 313- 353.
- Givón, T. 2001. *Syntax: An Introduction*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Göbbel, E. 2013. Extraposition of relative clauses: Phonological solutions. *Lingua* 136. 77-102.
- Halliday, M & C. Matthiessen. 2004. *An Introduction to Functional Grammar*. Britain: Arnold.
- Hawkins, J. A. 2004. *Efficiency and Complexity in Grammars*. Oxford: Oxford University.
- Huck, Geoffrey J. & Na. Younghee 1990. Extraposition and Focus. *Language* 66 (1): 51-77.
- Inaba, J. 2003. extraposition and directionality of movement (in Japanese). Yoshida, M., & J. Okamoto (eds.). *Japanische Gesellschaft für Germanistik*, Tokyo: 35-49.
- Jahani, C. 2008. Restrictive Relative Clauses in Balochi and the Marking of the Antecedent –Linguistic Influence from Persian? The Bloch and others: linguistic, historical and socio-political perspectives on pluralism in Baluchistan, Wiesbaden: Reichert, pp 139-166.
- Izumi, S. 2003. Processing difficulty in comprehension and production of relative clauses by learners of English as a second language. *Language Learning*, (53): 285-323.
- Karimi, S. 2002. Persian Complex DPs: how mysterious are they?. *Canadian Journal of Linguistics*, (24): 63-96.
- . 2005. *a minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*. Mouton de Gruyter: Berlin, Germany.
- Keenan, E. & B. Cormier. 1977. Noun phrase accessibility and universal grammar. *Linguistic Inquiry*, (8): 63- 89.
- Kiss, T. 2005. Semantic constraints on relative clause extraposition. *Natural language and linguistics*, (23): 281-334.

- MacDonald, M. C. & M. Christiansen. 2002. Reassessing working memory: Comment on Just and Carpenter (1992) and Waters and Caplan (1999). *Psychological Review*, (109): 35-54.
- Müller, G. 1995. On extraposition & successive cyclicity. U. Lutz & J. Pafel (eds.): 213-243.
- O'Grady, W., M. Lee, & M. Choo. 2003. A subject- object asymmetry in the acquisition of relative clauses in Korean as a second language, *Studies in Second Language Acquisition*, (25): 433-448.
- Rahmany, R., H. Marefat & E. Kiddbc. 2010. Persian speaking children's acquisition of relative clauses. *European Journal of Developmental Psychology*, (8): 367-388.
- Richards, J. & R. Schmidt. 2002. *Longman Dictionary of Language Teaching And Applied Linguistic*. Longman: London.
- Rochemont, M. 1985. *A Theory of stylistics rule in English*. Garland: New York.
- Rochemont, M. S. & P. W. Culicover. 1990. *English Focus Constructions and the Theory of Grammar*. Cambridge: Cambridge University.
- Suarez-Casielles Eugenia. 2004. *The syntax- Information structure Interface*. Routledge Publication.
- Soheili-esfahani, A. 1976. *Noun phrase complementation in Persian*. Doctoral dissertation. university of Illinois, Urbana.
- Taghvaipur, M. 2005. *Persian Relative Clause in Head-driven Phrase Structure Grammar*. PhD Thesis. University of Essex.
- Wasow, T. 2002. *Postverbal Behavior*. Stanford: CSLI Publications.
- Windfuhr, G. L. 1978. *Persian Grammar: History and State of its study*. Mouton Publishe: USA.